



چیستی و چرایی و چگونگی حق‌مداری براساس کلام معصومان علیهم‌السلام

محمد رضا جواهری

چکیده

در این پژوهش سه بعدی پیرامون حق‌مداری به سه پرسش اساسی چیستی و چرایی و چگونگی حق‌مداری پاسخ داده شده است. بهترین منبع برای حق‌شناسی و ساختار و اقسام آن کلام معصومان علیهم‌السلام است. در این نوشتار نخست چیستی حق براساس لغت و در اصطلاح فرهنگ دینی بیان شد و سپس چرایی حق‌مداری با تبیین دستاوردها و اختصاصات حق در نوزده محور و آن‌گاه چگونگی حق‌مداری با نه محور گزارش گردید. مطالعات حدیثی در حق‌شناسی نشان داد پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه حق رهنمودهای زیادی دارند. این رهنمودها با روش توصیفی و تحلیلی از متون مقدس حدیثی استنباط و نوشته شد. بی‌تردید معصومان علیهم‌السلام پیشگامان و الگوهای جهانی حق‌مداری بوده‌اند و اکنون گفتار و سیره آنان راهنمای حق‌پژوهان جهان است. این پژوهش نشان داد که یکی از دستاوردهای اصلی حق‌مداری بر اساس احادیث اهل بیت علیهم‌السلام ولایت‌مداری است و با ولایت‌مداری اهداف حق‌مداری تحقق می‌یابد. ولایت فقیه در عصر غیبت حق و راهنمای حق است و اطاعت کامل از او راه پیشرفت و نجات و سعادت است.

واژه‌های کلیدی: حق‌مداری، اسلام، حدیث، پیشوایان دینی، ولایت‌مداری

مقدمه

حق مداری قرار گرفتن حق در مدار زندگی فردی و اجتماعی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی است. حق مداری نیازمند شناخت حق است. حق گرایی و عمل به حق و حق پژوهی و حق طلبی و حق گویی و شنیدن حق و حق پذیری در حق مداری جای دارد. پیشگامان حق مداری و الگوهای بزرگ آن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام بوده‌اند. امروز بهترین منبع برای آگاهی از چیستی و چرایی و چگونگی حق مداری احادیث معصومان علیهم السلام می‌باشد.

در این پژوهش کوشش می‌شود اصول حق مداری از منابع حدیثی معتبر استخراج گردد. با مطالعات حدیثی ساختار حق مداری در مراحل چیستی و چرایی و چگونگی آن، با روش توصیفی تحلیلی استنباط شد.

متون مقدس روایی همه آنچه را که در حق مداری لازم است در بر دارد. در عصر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فقیه عادل نائب عام عصر است و محق می‌باشد و اطاعت کامل از ولایت فقیه در حق مداری در این زمان قرار دارد. ولایت مداری در دوران غیبت بر مدار ولایت فقیه استوار است و استمرار پیدا میکند. حق مداری و ولایت مداری به هم پیوسته و تفکیک‌ناپذیرند.

الف - چیستی حق مداری

حق چیست؟ برای روشن شدن چیستی حق نخست باید به کتاب‌های لغت مراجعه نمود. ترتیب مقایس اللغة در قرن چهارم هجری قمری نوشته است: هو یدل علی احکام الشئ و صحته فالحق نقیض الباطل (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۳۸۷، ص ۲۴۲) حق بر محکم شدن شئ و درستی آن دلالت می‌کند پس حق نقیض باطل است. المفردات فی غریب القرآن در پایان قرن پنجم نوشته است: اصل الحق المطابقة و الموافقة کمطابقة رجل الباب فی حقه لدورانه علی استقامة؛ اصل حق مطابقت و موافقت است همچون مطابقت پاشنه در، در حق در، برای چرخش در به استقامت. حق بر چهار وجه گفته می‌شود اول بر به وجود آورنده شئ به مقتضای حکمت حق گفته می‌شود بر همین اساس خدا را حق می‌گویند، دوم به وجود آورده شده به اقتضای حکمت، بر همین اساس به همه افعال خدا را حق گویند؛ سوم به اعتقاد شئ مطابق آنچه فی نفسه شی بر آن است. چهارم فعل و قول واقعی بر حسب آنچه واجب است و به قدر واجب و در وقتی که واجب است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۵) اساس البلاغة در قرن ششم نوشته است: حق الله الامر حقاً؛ ائبته و اوجبه (زمخشری، بی‌تا، ص ۹۰) خداوند امر را محقق نمود یعنی ثابت و واجب گرداند. الرائد نوشته است: حق جمع حقوق به معنای داد و شایسته و راستی در گفتار است. (مسعود، ۱۳۹۲، ص ۳۲۶) منجد الطلاب آورده است: حق یعنی یقین، قطعی، عدل، موجود ثابت، پابرجا و کار حتمی و قطعی و واقع شدنی (افرام البستانی، ۱۳۶۲، ص ۳۶) در لغت‌نامه فارسی آمده است: حق یعنی راست، درست، ضد باطل، ثابت و واجب، کاری که البته واقع شود، یقین، عدل (عمید، ص ۵۲۶) بنابراین حق به معنای مطابقت و موافقت با واقع و براساس حکمت و ثابت و واجب و شایسته و سزاوار و راست و درست می‌باشد. در مرحله دوم باید چیستی حق با جستجوی کاربردها و کارکردهای حق در احادیث اهل بیت علیهم السلام روشن شود. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: الحق سیف قاطع (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۶) حق شمشیری بر آن است. امام علی علیه السلام در حدیث دیگر فرموده‌اند: الحق افضل سبیل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵۵) حق بهترین راه است. در حدیث دیگر فرموده‌اند: افضل الاعمال لزوم الحق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۶۷) در روایت دیگر فرموده‌اند: الحق اقوی ظهیر (تمیمی آمدی، ج ۱، ص ۱۸۷) حق نیرومندترین پشتیبان است. در کلام دیگر فرموده‌اند: الحق اوضح سبیل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹۳) حق روشن‌ترین راه است. در بیان دیگر فرموده‌اند: الحق سیف علی اهل الباطل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۷۷) حق شمشیری بر اهل باطل است. امام علی

علیه السلام در حدیث دیگر فرموده‌اند: اصدق القول ما طابق الحق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۰۱) راست‌ترین گفتار آن گفتاری است که مطابق حق باشد. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: خیر الامور ما اسفر عن الحق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۴۲۸) * لیثی واسطی، ۱۳۷۶. ه. ش، ص ۲۳۷) بهترین امور آن چیزی است که چهره حق را آشکار کند. در حدیث دیگر فرموده‌اند: لا رسول ابلیغ من الحق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۳۷۹)؛ هیچ پیغام‌آوری رساتر از حق نیست. در رهنمود دیگر فرموده‌اند: لاناصح انصح من الحق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۳۸۱) هیچ پند دهنده و خیرخواهی، پند دهنده‌تر از حق نیست.

با تأمل در این احادیث علوی که ذکر شد می‌توان به حق پی برد و مفهوم حق را شناخت. حق آن چیزی است که وصف آن در این رهنمودهای امام علی علیه السلام آمده است این‌ها شاخصه‌های حق و ویژگی‌های آن و بیانگر حد و مرزهای حق می‌باشند. در این احادیث خصوصیات حق روشن شده است. هر چیزی هر سخن و هر عملی را می‌توان با این صفات سنجید و حق را تشخیص داد. در این اوصافی که برای حق در این احادیث ذکر شد صیغه افعال تفضیل وجود دارد و این صیغه انحصار را می‌رساند و برتری داشتن موصوفش بر غیر را در صفتی ثابت می‌کند. حق آن قول و فعلی است که مطابق واقع و درست و راست و بی‌انحراف باشد. احکام و قوانینی که این صفات را دارد آن قوانینی است که دقیقاً با وحی الهی و قرآن و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سنت امامان علیهم السلام و حکم عقل سلیم مطابقت و موافقت داشته باشد.

انسانی که مواظب است همواره حق بگوید و حق طلب و حق خواه و حق شناس باشد و به حق عمل کند حق مدار است. آن چه فقیه عادل در عصر غیبت می‌گوید و انجام می‌دهد حق است و اجرای آن‌ها و پیروی از ولایت فقیه و اطاعت از او و ولایت‌مداری راه درست و راست و ثابت و واجب است.

در حدیث دیگر امیرمؤمنان علیه السلام فرموده‌اند: ان الحق ثقیل مرثی و ان الباطل خفیف و بی (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۶) همانا حق سنگینی است اما گوارا و باطل سبک و آسان است اما کشنده می‌باشد. در حدیث دیگر فرموده‌اند: الحق ابلج منزّه عن المحاباة و المرایاه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶. ه. ش، ج ۲، ص ۴۴) حق روشن است و از یاری و به‌رخ کشیدن بی‌نیاز است. مطابق این حدیث مفهوم حق و سخن راست و موافق با واقع درخشنده است و احتیاج به یاری ندارد نمی‌توان در آن جدال کرد و آنرا انکار نمود.

ب - چرایی حق‌مداری

چرایی حق‌مداری باتوجه به آثار فراوان دنیوی و اخروی حق‌مداری روشن می‌گردد. بررسی عقلی دستاوردهای سرنوشت‌ساز حق‌گرایی ضرورت حق‌مداری را ثابت می‌کند. آنچه در احادیث اهل‌بیت علیهم السلام در تبیین برکات حق‌طلبی آمده است راهنمای چرایی حق‌مداری خواهد بود.

نتایج دنیوی و اخروی حق‌گرایی

حق‌گویی و حق‌خواهی و حق‌مداری و حق‌طلبی و حق‌پژوهی دستاوردها و نتایج زیادی دارد. باید این نتایج را از درون کلام اهل‌بیت علیهم السلام استنباط کرد. در آن صورت علت و چرایی حق‌مداری آشکار خواهد شد.

نجات و حجت

در احادیث امام علی علیه السلام مکرر نجات و حجت معلول حق اعلام شده است. نجات و رهایی از گرفتاری‌ها و مشکلات در زندگی دنیوی با حق‌گرایی تحقق می‌یابد. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: الحق منجاة لكل عامل و حجة لكل قائل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۱، ص ۳۷۷) حق وسیله نجات هر عمل‌کننده و حجت و برهان برای هر گوینده است. در این حدیث دو اثر حق‌پویی و حق‌گرایی بیان شده است. حق‌مداری هم موجب نجات و رهایی است و هم حجت و دلیل انسان در روابط با دیگران است.

امام علی علیه السلام در حدیث دیگر فرموده‌اند: الزموا الحق تلزمکم النجاة (تمیمی آمدی، ج ۲، ص ۲۴۰) ملازم و همراه حق باشید تا نجات و رهایی ملازم شما گردد.

امام علی علیه السلام در روایت دیگر فرموده‌اند: کن عالماً بالحق عاملاً به ینجک الله سبحانه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۴، ص ۶۱۶)؛ آگاه به حق باش و به حق عمل کن خدای سبحان تو را نجات می‌دهد. بر اساس این حدیث انسان باید تلاش کند در هر شرایطی علم به حق پیدا کند و حق شناس باشد برای عمل به حق، چون عمل به حق بدون شناخت و علم به حق ممکن نیست.

در حدیث دیگر فرموده‌اند: ثلاث فیهن النجاة، لزوم الحق و تجنب الباطل و ركوب الجدة (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۳، ص ۳۶۳) سه خصلت است که در آن‌ها نجات است: ملازم بودن با حق، دوری گزیدن از باطل و سوار شدن جد و تلاش و کوشش بر اطاعت و عبادت خداوند.

منظور از ملازم بودن حق این است که همیشه همراه حق باشد و از آن جدا نشود و به طرف ناحق میل نکند. مراد از دوری گزیدن از باطل این است که مرتکب لغو و لهو و عبث و کار بی‌ثمر و عمل حرام نگردد. مراد از سواری جد نیز این است که با جد و جهد و کوشش تمام در طاعات و عبادات و بایستگی‌ها در زندگی فردی و اجتماعی حرکت کند. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من عمل بالحق نجا (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۱۵۳) هر که عمل کرد به حق رستگار شد. هدف از حق‌شناسی عمل به حق است و علم بی‌عمل نتیجه‌ای ندارد از این رو عمل به حق موجب نجات است.

منازل حق در روز قیامت

همه مؤمنان در صدد ورود به بهشت و درجات آخرت و منزهات عالی روز قیامت اند. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: الزم الحق ینزلک منازل اهل الحق یوم لایقضى الا بالحق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۲، ص ۱۹۶) ملازم حق باش و از آن جدا مشو تا تو را به منزل‌های اهل حق فرود آورد در روزی که مگر به حق حکم نمی‌شود. در این حدیث سه بار حق تکرار شده است. فرمان بر ملازمت حق، و نتیجه نزول به منازل اهل حق، و قضاوت حق در آخرت و داوری روز قیامت روزی که جز به حق داوری نگردد. حق‌گرایان در قیامت به منزل اهل حق وارد می‌شوند و در روز قیامت براساس حق داوری می‌گردند.

غالب و پیروز

انسان‌ها همواره دنبال غلبه و پیروزی در صحنه‌های زندگی می‌باشند و در جستجوی راه‌های رسیدن به پیروزی گام بر می‌دارند. حق‌مداری عامل پیروزی است. حتی آنجا که حق‌گرا در ظاهر هم مغلوب شود باز هم غالب و سربلند و پیروز می‌باشد.

امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: المغلوب بالحق غالب (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۱، ص ۲۴۶) کسی که مغلوب با حق است، غالب و پیروز است. مطابق این حدیث شکست خورده به واسطه حق که حقی را به غلبه و جور از او گرفته باشند چیره و غالب است یعنی در واقع غالب است و مغلوب بر او غالب شده چون خداوند عوض بهتر دهد و از غالب انتقام کشد پس در حقیقت و در واقع و نفس الامر او غالب باشد و این مغلوب.

امام علی علیه السلام در حدیث دیگر فرموده‌اند: من صارع الحق صرع (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۱۶۹ * مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱، ص ۳۰۰ * نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۷، ص ۴۲۰) هر که با حق کشتی بگیرد انداخته شود و شکست بخورد. مطابق این حدیث هر فردی با حق پنجه درافکند حق او را به زمین خواهد زد. پیامد با حق ستیزه کردن شکست است در افتادن با حق مرگبار است.

در حدیث دیگر فرموده‌اند: من عاند الحق صرعه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ق، ج ۵، ص ۲۰۵) هر که با حق دشمنی کند حق او را ببندازد. مطابق این حدیث هر که بخواهد امر حقی را زایل و باطل و نابود کند حق او را در دنیا و آخرت به زمین خواهد زد. در حدیث دیگر فرمودند: من عاند الحق قتله (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۱۸۳) کسی که با حق دشمنی کند حق او را خواهد کشت. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من عاند الحق لزمه الرهن (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۱۸۲) کسی که با حق بجنگد خواری بر او واجب خواهد شد. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من حارب الحق هرب (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۸۲) کسی که با حق بجنگد همه چیز خود را از دست خواهد داد. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من ابدی صفحته للحق هلك (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۳۰۴ * کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۶۸ * مسعودی، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۱۴۹ * ابن حیون، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱، ص ۳۷۳ * شریف الرضی، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۱۰۷ * مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱، ص ۲۴۰ * فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۲۱، ص ۴۳ * مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۴۳)؛ هر که با حق رود رو شود هلاک خواهد شد. انسان باید همیشه جبهه حق را بشناسد و در جبهه حق قرار گیرد تا از هلاکت رهایی یابد.

سعادت و خوشبختی

عموم مردم در جستجوی سعادت و خوشبختی‌اند. در این راه در صدد موجبات سعادت در دنیا و آخرت می‌باشند. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: فی لزوم الحق تكون السعادة (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۴، ص ۴۰۲) در لازم بودن حق نیکبختی است. منظور از لازم حق بودن همیشه همراه حق بودن و هرگز جدا نشدن از آن است.

صفحه ۱۴

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: لیس من باطل یقوم بازاء الحق آلا غلب الحق الباطل و ذلک قول الله بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق (برقی، ۱۳۷۱ ه.ق، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۷ * کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴۲ * فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۳، ص ۳۳۳ * فیض کاشانی، ۱۴۰، ج ۱۵، ص ۱۷۱ * شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ ه.ق، ج ۱، ص ۷۳ * بحرانی، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۳، ص ۸۰۶ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۵، ص ۳۰۵ * عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۳، ص ۴۱۶ * قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ه.ش، ج ۸، ص ۳۹۴) هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آنکه حق بر او چیره شود و این سخن خداوند است: بلکه حق را بر سر باطل می‌زنیم تا آنرا درهم کوبد (انبیاء، آیه ۱۸)

سود و غنیمت و بهره بی رنج

سود و بهره حق مداری فراوان است و این بهره برداری بی زحمت و آسان است به گونه‌ای که هر انسانی را جذب می‌کند. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: قولوا الحق تغنموا و اسکتوا عن الباطل تسلموا (تمیمی آمدی، ج ۴، ص ۵۰۸) حق را بگوئید تا غنیمت ببرید و از باطل خاموش و ساکت باشید تا سالم بمانید. غنیمت به معنای سود و بهره بی رنج و زحمت است و حق گویی این دستاورد را دارد. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من عمل بالحق ربح (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۱۴۵) هر که به حق عمل کند سود برد. منظور این است که اگر در ظاهر در عمل به حق زیان و خسروانی باشد آن زیان و خسروان واقعی نیست چون در دنیا و آخرت تلافی می‌گردد. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من عمل بالحق غنم (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۱۳۶) هر که عمل کند به حق غنیمت یابد. منظور این است که هرگاه انسانی هر چه گوید یا انجام دهد حق باشد نفع می‌برد و هرگز زیان و خسروان نکند. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من نصر الحق غنم (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۴۶۶) هر که یاری کند حق را، غنیمت برد.

عزت

حق مداری سبب عزت در زندگی انسان است. این حقیقت نیز در کلام امیرمؤمنان علیه السلام آمده است. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: من اعترز بالحق اعزه الحق (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۲۹۳) هر که به حق عزت جوید، حق او را عزیز گرداند. منظور از حق در حدیث می‌تواند حق تعالی باشد و عزت جستن به او با اطاعت و فرمانبرداری اوست. می‌توان منظور از حق هر حقی باشد و عزت جستن به او به معنای اقامت و یاری اوست که با آن عزیز گردد.

در حدیث دیگر فرموده‌اند: من یطلب العز بغير حق یدل (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۳۰۷ * کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۸، ص ۲۰ * ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۹۵ * مجلسی اول، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۷۱ * مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۲۵، ص ۴۴) هر که با غیر حق طلب عزت کند حق او را خوار و ذلیل گرداند. غرض این است که هر کس طلب عزت کند از مردم، لازم است که خود را چنان کند که مستحق عزت باشد و عزت حق او باشد. باید به فضائل اخلاقی و اخلاق حمیده آراسته گردد، اگر فردی این چنین نباشد و طلب عزت از مردم کند خوار شود. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من اعترز بغير الحق اذله الله بالحق (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۳۲۰) هر که به غیر حق عزت جوید خداوند او را به حق ذلیل و خوار کند. در حدیث دیگر فرموده‌اند: من اعترز بغير الله اهلکه العز (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۲۵۳) هر که عزت از غیر خدا جوید آن عزت او را هلاک گرداند. در حدیث دیگر فرموده‌اند: لاصحاب اعز من الحق (تمیمی آمدی، ج ۶، ص ۳۸۴) هیچ همراه و همنشینی عزیزتر از حق نیست. منظور این است که انسان همواره و همیشه با حق باشد و از آن جدا نشود که حق عزیزترین چیز است. حق گرایی عزت‌آور است. البته حق گرایی لوازمی دارد، شرط اساسی این است که از راه حق و راستی و درستی در عمل، در جستجوی عزت باشد.

شباهت به پیامبر

امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تلاش می‌کنند شبیه پیامبر خدا شوند الگو قرار دادن پیامبر و شبیه‌سازی خود به پیامبر آرزوی هر مسلمانی است. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: شبه الناس بانبياء الله اقولهم للحق و اصبرهم على العمل به (تمیمی آمدی، ج ۲، ص ۴۳۳) شبیه‌ترین مردم به پیامبران خدا، گوینده‌ترین مردم بر حق و صبرکننده‌ترین آنان بر عمل به حق است. در این حدیث دو ویژگی برای شبه‌الناس به پیامبران ذکر شده است. یکی اقولهم للحق و دیگری اصبرهم على العلم به هر سه

کلمه (اشبه و اقول و اصبر صیغه افعال تفضیل می‌باشد. انسانی که بیشترین سخن حق را می‌گوید و در عمل به حق صبر کننده‌ترین انسان‌ها می‌باشد شبیه‌ترین مردم به پیامبران خدا است. هر چه شباهت انسان به پیامبر خدا بیشتر شود ایمان انسان کاملتر و در آخرت سرفرازتر است.

قرب الی الله

عبادت خدا و تقرب به خدا وظیفه هر مسلمانی است. چگونه می‌توان به بالاترین درجات قرب به ذات حق رسید؟ امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: اقرب العباد الی الله تعالی اقولهم للحق و ان كان عليه و عملهم بالحق و ان كان فيه کرهه (تمیمی آمدی، ج ۲، ص ۴۴۷) نزدیک‌ترین بندگان به خدا که بلندمرتبه است گوینده‌ترین آنان به حق است هر چند به ضرر او باشد و عمل کننده‌ترین آنان به حق است هر چند در آن رنج او باشد یا چیزی که آنها خوش ندارد.

در این حدیث نزدیک‌ترین انسان‌ها معرفی شده است. هر چه قرب صفاتی و معنوی بندگان به خدا بیشتر شود خوشبخت‌ترند. در این حدیث اقرب العباد و اقولهم و عملهم هر سه صیغه افعال تفضیل است و برترین را می‌رساند انسانی که قول حق را بیشتر از دیگران می‌گوید گرچه علیه خودش باشد و عمل کننده‌تر به حق است هر چند ناخوش آیند او باشد به خدا نزدیک‌تر است.

کرامت الهی

کرامت الهی به چیست؟ امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: اذا اکرم الله عبداً اعانه علی اقامة الحق (تمیمی آمدی، ج ۳، ص ۱۶۳) هرگاه خداوند بنده‌ای را گرامی بدارد او را بر پای داشتن حق یاری کند. کسب آنچه از خصال و افعال و گفتار حق است در میان مردم حاصل یاری خداوند است. انسانی که بر اقامه حق در قول و فعل توانایی دارد، با کرامت الهی به این جایگاه رسیده است.

رحمت الهی

رحمت الهی شامل چه کسانی می‌شود؟ امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: رحم الله امرأً احببى حقاً و امات باطلاً و ادحض الجور و اقام العدل (تمیمی آمدی، ج ۴، ص ۴۵) خدا رحمت کند انسانی را که حقی را زنده بدارد و باطلی را بمیراند و جور و ستمی را نابود و عدلی را برپا دارد. هر که سزاوار و مستحق رحمت الهی گردد به درجه بالایی رسیده و اهل نجات است و خداوند احیاگر حق را رحمت می‌کند.

فلاح و رستگاری

فلاح چیست و مفلحون چه کسانی‌اند؟ فلاح رستگاری و کامیابی و در نعمت و نیکی ماندن است. المفردات فی غریب القرآن در معنای فلاح نوشته است: فلاح ظفر و پیروزی و رسیدن به هدف است و بر دو قسم است: دنیوی و اخروی، فلاح دنیوی رسیدن به سعادت‌هایی است که با آنها زندگی دنیا پاک می‌گردد و آن بقاء و بی‌نیازی و عزت است و فلاح اخروی چهار چیز است: بقاء بدون فناء و بی‌نیازی بدون فقر و عزت بی ذلت و علم بدون جهل (راغب اصفهانی ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۳۸۵) امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: من عمل بالحق افلح (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۱۶۸) هر که به حق عمل کند رستگار و پیروز گردد. مطابق این حدیث حق‌گویان و عمل‌کنندگان به حق در گروه مفلحون جای می‌گیرند.

جذب مردم و پیشوایی

هر انسانی می خواهد مردم او را دوست بدارند و در دل مردم جای بگیرد و مردم به او روی آورند، چه چیزهایی موجب میل مردم به سوی انسان می گردد؟ امام علی علیه السلام فرموده اند: من عمل بالحق مال الیه الخلق (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۳۳۸ * عاملی نباطی، ۱۳۸۴ ه.ق، ج ۱، ص ۲۲۲)؛ هرکه به حق عمل کند، خلق به سوی او میل کند و روی آورد.

امام علی علیه السلام در حدیث دیگر فرموده اند: من اتخذ الحق لجاماً اتخذہ الناس اماماً (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۳۲۱) هرکه حق را لجامی فرا گیرد مردم او را امام بگیرند. منظور این است هرکه حق را لجام خود قرار دهد همان طور که لجام مانع سرکشی و طغیان اسب می شود حق گرایی مانع از جور و انحراف انسان می گردد وقتی او در هر قول و عمل رعایت حق را می کند و با حق از راه مستقیم خارج نمی شود، مردم از او اطاعت کنند و او را امام و پیشوای خود قرار دهند. ولی فقیه در جامعه اسلامی حق گراترین فرد است از این رو مردم او را امام انتخاب نمایند.

بهترین یاور

انسان در کارها نیازمند معین و کمک کار و یاور است. نیرومندترین یاور انسان چیست؟ امام علی علیه السلام فرموده اند: لیکن مؤتلف الی الحق فان الحق اقوی معین (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۵۰ * لیثی واسطی، ۱۳۶۷ ه.ق، ص ۴۰۳) باید بازگشتگاه توبه سوی حق باشد زیرا که حق قوی ترین کمک کار و یاری کننده است. هر جا انسان بر پای حق بایستد همین حق گرایی بهترین کمک و یار او در کارها در زندگی دنیوی است.

حلاوت و نتیجه و نشانه ایمان

نشانه های ایمان و لوازم ایمان چیست؟ امام علی علیه السلام فرموده اند: کسب الایمان لزوم الحق و نصح الخلق (تمیمی آمدی، ج ۴، ص ۱۲۵) کسب و فایده ایمان لازم بودن حق و جدا نشدن از آن و صاف بودن با خلق است. همراهی با حق نتیجه ایمان است و کسی که پیوسته با حق است مؤمن می باشد. در حدیث دیگر فرموده اند: کیف یجد حلاوة الایمان من یسخط الحق (تمیمی آمدی، ج ۴، ص ۵۶۶) چگونه می یابد شیرینی ایمان را کسی که حق او را به خشم آورد. منظور این است کسی که سخن یا کار راست و درست و حق او را ناراحت می کند حلاوت ایمان را نچشیده است.

توفیق الهی

مؤمن نیازمند توفیق الهی است و با توفیق الهی می تواند به وظایف خود عمل کند. عامل توفیق چیست؟ امام علی علیه السلام فرموده اند: من جاهد علی اقامة الحق وفق (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۳۳۹) هرکه برای برپایی حق جهاد کند توفیق یابد و موفق شود.

نرم شدن سخت و نزدیک شدن دور

برخی کارها سخت و سنگین و دور است. چه چیزی کار سخت را نرم و دور را نزدیک می کند؟ امام علی علیه السلام فرموده اند: من جعل الحق مطلبه لان له الشدید و قرب علیه البعید (تمیمی آمدی، ج ۵، ص ۳۹۲) هرکه مطلب خود را حق قرار دهد سخت برای او نرم و دور بر او نزدیک شود.

راهنمای خوب



دلیل و راهنمای زیبا چیست؟ امام علی علیه السلام فرموده اند: نعم الدلیل الحق (تمیمی آمدی، ج ۱، ص ۱۵۶) حق راهنمای خوبی است. هر که در هر قول یا فعل حق گرا باشد همان بر حق بودن برای پیشرفت و رستگاری و نجات راهنمای خوبی است. حق گرای دلیل زیبا و روشن و اصلی می باشد.

ج - چگونگی حق مداری

چگونه می توان حق مداری را اقامه کرد و برپا ساخت؟ پس از تبیین چیستی و چرایی حق مداری لازم است چگونگی اجرای آنرا بیان نمود. راه کارهای حق مداری در احادیث اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. اصول چگونگی حق مداری از متون مقدس حدیثی استنباط می گردد.

اجرای حق مخالف هوای نفس

هوای نفس مانع حق گرای است و در مواردی حق گرای با هوای نفس در تعارض قطعی می باشد. اهل بیت علیهم السلام بر اجرای حق در شرایطی که مخالف هوای نفس است تأکید نموده و سفارش کرده اند.

امام علی علیه السلام فرموده اند: اربک الحق و ان خالف هواک و لا تبع آخرتک بدنیاک (تمیمی آمدی، ج ۲، ص ۱۸۱) بر حق سوار شو و حق را مرکب راهوار خود قرار بده و همواره با حق حرکت کن گرچه خلاف خواهش و هوا و هوس تو باشد و آخرت خود را به دنیایت مفروش. هوای نفس دشمن بزرگ انسان است. حق گرای در آنجا که مخالف هوای نفس و خلاف میل باشد کار سختی است اما بر آن سفارش شده است. با توانایی بر اجرای حق در صورت تضاد با هوی و هوس، حق مداری تحقق می یابد.

امام علی علیه السلام در حدیث دیگر فرموده اند: فی قائمه سیف من سیوف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صحیفه فیها... قل الحق ولو علی نفسک (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۲، ص ۱۵۶ * مجلسی ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۴، ص ۱۵۷) بر نوشته دسته شمشیری از شمشیرهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین آمده است... حق را بگو هر چند علیه خودت باشد.

حق گویی در خوف و أمن

در آنجا که ترس باشد و آنجا که امنیت برقرار است همواره حق گرای لازم است. اینکه در امنیت و آرامش و آسایش حق را اجرا کند در خوف و ترس از حق گویی صرف نظر کند صحیح و کامل نیست. در هر دو جا باید حق مدار بود و در شرایط ناامنی و ترس هم حق را گفت و عمل نمود.

پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: ألا لایمنعن رجلاً مهابة الناس أن یتکلم بالحق اذا علمه الا افضل الجهاد کلمة حق عند سلطان جائز (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۱، ص ۴۳۲ * متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۳۹۱، حدیث ۴۳۵۸۸) هان! مبادا ترس از مردم مانع آن شود که کسی حق را بداند و نگوید، بدانید که برترین جهاد سخن حقی است که در برابر فرمانروای ستمگر و منحرف گفته شود.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: قل الحق فی الخوف و الأمن (کلینی، ج ۱، ص ۲۸۰ * ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ ه.ق، ص ۵۳ * شیخ حر عاملی، بی تا، ص ۴۳۰ * بحرانی، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۴، ص ۳۶۸ * جزائری، ۱۴۲۷ ه.ق، ج ۲، ص ۲۷۳ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۳۶، ص ۲۱۰ * بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۹۱) در خوف و أمن حق را بگو.



حق‌گویی در سود و زیان شخصی

گفتن حق و عمل به حق برای انسان سود داشته باشد و به نفع او باشد یا ضرر داشته باشد و هیچ سودی برای او نداشته باشد همواره لازم است. نباید آنجا که حق‌گرایی ضرر و خطر دارد آنرا وا گذاشت و رها کرد.

پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: اتقی الناس من قال الحق فیما له و علیه (صحیفه الامام الرضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶، ص ۹۱ * شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۴، ص ۳۹۵ * شیخ صدوق، ۱۳۷۶ ه.ق، ص ۱۹۵ * شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۱۹۵ * کراچکی، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۱، ص ۲۹۹ * فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ ه.ش، ج ۲، ص ۴۳۲ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷، ص ۲۸۸)

باتقوی‌ترین مردم کسی است که حق را بگوید چه به سودش باشد و چه به زیانش. آری باید حق را گفت و به سود زیانش توجهی نکرد.

امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: ان افضل الناس عندالله من كان العمل بالحق احب اليه و ان نقصه و كرته من الباطل و ان جرّ اليه فائده و زاده (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۵ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲۳، ص ۳۷۱) برترین مردم در نزد خدا کسی است که عمل به حق را از عمل به باطل بیشتر دوست داشته باشد اگر چه حق برای او زیانبار و غمبار باشد و باطل برایش سودمند و فزاینده باشد.

حق‌گویی به بهایی نابودی

مؤمن باید تا پای مرگ حق‌مدار باشد و هرگز دست از حق بر ندارد. امام کاظم علیه‌السلام به برخی از شیعیان فرموده‌اند: ای فلان اتق الله قل الحق و ان كان فيه هلاکک فانه فيه نجاتک ای فلان اتق الله و دع الباطل و ان كان فيه نجاتک فان فيه هلاکک (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۴۰۸ * شیخ مفید، ۱۴۰۳ ه.ق، الاختصاص، ۳۲ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲، ص ۷۹) ای فلانی! باتقوی باش و حق را بگو گرچه نابودی تو در آن باشد زیرا که نجات تو در آن است. ای فلان تقوی داشته باش و باطل را فرو گذار و رها کن هرچند نجات تو در آن باشد زیرا که در واقع نابودی تو در آن است. منظور پای‌بندی به حق تا مرز مرگ و نابودی است. هلاک شدن در حق‌گرایی در واقع نجات است چون کشته شدن در حق‌مداری راه نجات است و نجات ظاهری در باطل در واقع هلاکت است.

سخن حق در خشنودی و خشم

حق را باید گفت چه در خشنودی و چه در خشم. لازم است انسان‌ها در هر حالت چه در خشنودی و چه در خشم حق‌گرا باشند. چه خشنودی و خشم‌گوینده و چه خشنودی و خشم‌مخاطب.

امام علی علیه‌السلام در وصیت به فرزندشان امام حسین علیه‌السلام فرمودند: یا بنی اوصیک بتقوی الله فی الغنی و الفقر و کلمة الحق فی الرضا و الغضب (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۸۸ * شیخ صدوق، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۱، ص ۲۴۱ * حلوانی، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۶۱ * طبرسی، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۳۰۸ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۴، ص ۱۳۰) فرزندم! تو را سفارش می‌کنم به تقوای الهی در توانگری و تهی‌دستی و سخن حق در حال خشنودی و خشم.

حق‌پذیری از کوچک و بزرگ، دوست و دشمن

پذیرش حق یک فرصت زیبای اخلاقی است. شایسته است انسان حق را بپذیرد و از هرکس که باشد مخالفان یا موافقان، دوستان یا دشمنان.

پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرموده‌اند: اقبل الحق ممن اتاك به صغير او كبير و ان كان بغيضاً واردد الباطل علی من جاء به من صغير و كبير و ان كان حبيباً (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۳۳۶، حدیث ۴۳۱۵۲) حق از هر کس برای آورد کوچک یا بزرگ بپذیر هر چند دشمن باشد و باطل را کوچک یا بزرگ هر که گوید به خودش برگردان هر چند دوست باشد. گوینده و آورنده حق آدم کوچک باشد یا بزرگ. دشمن باشد یا دوست باید پذیرفت.

در وصیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به امام علی علیه السلام نیز چنین آمده است: ... و ان تقبل الحق ممن جاء به صغيراً او كبيراً (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۲، ص ۵۴۳ * دیلمی، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۳۴۶ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲، ص ۱۵۵) حق را قبول کنی از هر کسی که برایت بیاورد کوچک باشد یا بزرگ. منظور اینکه سخن حق را از کودک و نوجوان و بچه کوچک هم بپذیر.

امام علی علیه السلام فرموده‌اند: من استسلم للحق و اطاع المحق كان من المحسنين (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۵، ص ۳۸۱) هر که تسلیم حق باشد و کسی را که بر حق است فرمانبرداری کند از نیکوکاران است. روحیه تسلیم در برابر حق و فرمانبرداری از حق عامل گسترش حق‌مداری است. ولایت فقیه و رهبر مذهبی جامعه اسلامی محق است و اطاعت از او لازم است و آن که از محق اطاعت نماید از نیکوکاران است.

حق‌مداری در تلخی و شیرینی

آنجا که حق‌گویی شیرین و خوشگوار است گفتن حق آسان است اما آن جا که تلخ است باید توجه داشت که عاقبت آن شیرین می‌باشد. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: اصبر علی مرارة الحق و ایاک ان تنخدع لخلوة الباطل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۲، ص ۲۳۷) بر درد تلخی حق صبر کن و بیرهیز از اینکه برای شیرینی باطل فریب بخوری.

امام علی علیه السلام در حدیث دیگر فرموده‌اند: لایصبر علی مرالحق الا من ایقن بخلوة عاقبته (تمیمی آمدی، ج ۶، ص ۴۲۳) بر تلخی حق صبر نکند مگر کسی که یقین به شیرینی عاقبت آن دارد. مطابق این حدیث همواره حق‌گویی حلاوت دارد یا از همان آغاز و زمان حق‌گویی و یا در عاقبت و پایان کار.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: چون هنگام رحلت پدرم علی بن الحسین علیهما السلام فرا رسید مرا در آغوش گرفت و فرمود: فرزندم! من به تو به همان سفارشی را می‌کنم که پدرم هنگام فرا رسیدن رحلتش به من کرد و فرمود که پدر او نیز به وی همین سفارش را کرده است. فرزندم! بر حق صبر کن و حق را تحمل کن هر چند که تلخ باشد. این جمله وصیت چهار امام از امام علی علیه السلام تا امام باقر علیه السلام به فرزندشان بوده است: ای بنی! اصبر علی الحق و ان كان مرأاً. بنابراین باید بر حق‌گویی و شنیدن و تحمل حق صبر نمود هر چند تلخ باشد.

تعاون بر اقامه حق

کمک و یاری دیگران بر اقامه حق وظیفه هر مسلمان است. همکاری و همیاری در بر پایی حق موجب گسترش حق‌مداری در جامعه می‌گردد.

امام علی علیه السلام فرموده‌اند: التعاون علی اقامة الحق امانة و دیانۀ (تمیمی آمدی، ج ۱، ص ۳۵۰ * کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۴ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲۷، ص ۲۵۲) یاری نمودن یکدیگر بر اقامه حق امانت و دیانت است. حق بر پای داشتن حقوق الهیه و رواج دادن آن‌ها امانت است به اعتبار اینکه هر انسانی بر دیگری حق دارد که او را در امر حق یاری کند و هرکه این تعاون را داشته باشد گویا امانت او را به او داده و در حفظ آن امین بوده است. کمک به یکدیگر در حق‌گرایی تکلیف دینی است پس تعاون وظیفه دینی و شرعی است. گاهی حق‌گویی نیازمند به اقدام گروهی است، گاهی عمل به حق محتاج کمک است، گاهی حق‌گویی نیاز به پشتیبانی و اقتدار دارد و به تنهایی امکان ندارد در همه این موارد این دستور به تعاون بر اقامه حق جاری است.

شکیبایی و صبر بر حق

استقامت و پایداری بر حق‌گویی و اجرای حق عامل گسترش حق و ماندگاری آن است. بر همین اساس بر صبر در راه حق سفارش شده است. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: لایصبر للحق الا من يعرف فضله (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۶، ص ۳۹۷) برای حق صبر نکند مگر کسی که ارزش آن را بشناسد. لازم است انسان‌ها ارزش و فضیلت حق را بشناسند در این صورت است که بر حق صبر خواهند نمود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: اصبروا علی الحق و ان کان مرأً (فقه الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۳۶۸ * مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۱، ص ۹۰ * نوری، ۱۴۰۸، ج ۹۱، ص ۲۶۰) بر حق صبر کنید هرچند تلخ باشد. صبر بر حق تلخ، کار سختی است از این رو پیامبر خدا به آن امر کرده اند.

نتایج

در این پژوهش حدیثی، براساس نصوص دینی و متون مقدس پاسخ سه پرسش اساسی چیستی، چرایی و چگونگی، در ارتباط با حق‌مداری داده شده است.

مطالعات حدیثی نشان داد حق شمشیر برنده و بهترین راه و نیرومندترین پشتیبان و راست و درست‌ترین گفتار و کردار و بهترین امور و رساترین پیام‌آور و پنددهنده‌ترین چیزهاست. معنای لغوی و چیستی حق در لغت از کتب لغت به دست آمد که حق راست و درست و مطابق و موافق با واقع و ثابت است. با پیوند حق در لغت و در اصطلاح حدیث، ماهیت حق‌مداری روشن شد. چرایی حق‌مداری در پرتو آثار و نتایج فراوان دنیوی و اخروی حق‌گرایی تبیین گشت. دستاوردها و اختصاصات حق در عنوان‌های «نجات» و «حجت» و «منازل حق در قیامت» و «غالب و پیروز» و «سعادت» و «سود و غنیمت و بهره بی‌رنج» و «عزت» و «شبهات به پیامبر» و «قرب الی الله» و «کرامت الهی» و «رحمت الهی» و «فلاح و رستگاری» و «حزب مردم و امامت» و «بهترین یاور» و «حلاوت ایمان» و «توفیق الهی» و «نرم شدن سخت» و «نزدیک شدن دور» و «راهنمای خوب» براساس احادیث استنباط گردید و چرایی نشان داده شد. چگونگی حق‌مداری نیز در شعاع برخی احادیث در اقسام حق‌گرایی استنباط و با روش توصیفی تحلیلی به نگارش درآمد. اصول «اجرای حق مخالف هوای نفس» و «حق‌گویی به بهای نابودی» و «سخن حق در خشنودی و خشم» و «حق‌پذیری از کوچک و بزرگ و دوست و دشمن» و «حق‌مداری در تلخی و شیرینی» و «تعاون بر اقامه حق» و «شکیبایی و صبر بر حق» چگونگی حق‌مداری را ثابت می‌کند.



نخستین کنگره بین المللی دانشمند برجسته، شهید حسن طهرانی مقدم (گرامیداشت ۷۰ شهید دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی)

The First International Congress on Outstanding Scientist, Martyr Hasan Tehrani Moghadam
Honoring 70 Martyrs of Shahid Rajaei Teacher Training University
المؤتمر الدولي الأول حول العالم المميز الشهيد حسن طهراني مقدم (تکريم ۷۰ شهيد من جامعة الشهيد الرجائي لتدريب المعلمين)



فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه
۳. امام رضا علیه السلام (۱۴۰۶ ه.ق) صحیفه الامام الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۴. امام رضا علیه السلام (۱۴۰۶) فقه الرضا علیه السلام، مشهد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۵. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ه.ق) الغيبة النعمانی، تهران، نشر صدوق.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ ه.ق) شرح الاخبار فی فضائل الائمة اطهار عليهم السلام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. ابن شعبه حرانی، حسین بن علی (۱۴۰۴ ه.ق) تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسین (۱۳۸۷ ه.ش) قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. افرام البستانی، فؤاد (۱۳۶۲) منجد الطلاب ترجمه شده با عنوان فرهنگ جدید، عربی- فارسی، توسط محمد بندرریگی، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۰. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۳۷۶ ه.ش) البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه.
۱۱. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۱۱ ه.ق) حلیه الابرار فی احوال محمد و آله اطهار عليهم السلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ه.ق) المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ ه.ش) غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، مقدمه میرجلال الدین محدث ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. جزائری، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۱۳ ه.ق) مدینه المعاجز الائمة الاثنی عشر، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۵. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ ه.ق) نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ه.ق) اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴ ه.ق) المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب.
۱۸. زمخشری، جارالله ابوالقاسم محمود بن عمر (بی تا) اساس البلاغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ ه.ق) خصائص الائمة (خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام) مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا) الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، تهران، انتشارات دهقان.
۲۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ه.ق) اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، علمی.
۲۲. شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۶ ه.ق) الامالی، تهران، کتابچی.



نخستین کنگره بین المللی دانشمند برجسته، شهید حسن طهرانی مقدم (گرامیداشت ۷۰ شهید دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی)

The First International Congress on Outstanding Scientist, Martyr Hasan Tehrani Moghadam
Honoring 70 Martyrs of Shahid Rajaei Teacher Training University
المؤتمر الدولي الأول حول العالم المميز الشهيد حسن طهراني مقدم (تکريم ۷۰ شهيد من جامعة الشهيد الرجائي لتدريب المعلمين)



۲۳. شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۴۰۳ ه.ق) معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق) من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۵. شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۶۳ ه.ق) الخصال، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه
۲۶. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ ه.ق) مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، نجف، المكتبة الحیدریة.
۲۷. عاملی نباطی، علی بن محمد بن علی بن یونس (۱۳۸۴ ه.ق) الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، نجف، المكتبة الحیدریة.
۲۸. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ه.ق) تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
۲۹. عمید، حسن (۱۳۶۳) فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
۳۰. قتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ ه.ش) روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات رضی.
۳۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ ه.ق) الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۳۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق) تفسیر الصافی، تهران، مكتبة الصدر.
۳۳. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۸۶ ه.ش) تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۱) کنز الفوائد، قم، دارالذخائر.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق) الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ ه.ش) عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحدیث.
۳۷. متقی هندی، علاءالدین بن حسام الدین (۱۴۱۹ ه.ق) کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۳۸. مجلسی اول، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶) روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی کوشانیپور.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ق) بحار الانوار لجامعۀ الدرر اخبار الأئمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ه.ق) مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول علیهم السلام، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۴۱. مسعود، جبران (۱۳۹۲) الرائد، ترجمه شده به عنوان فرهنگ الفبایی توسط رضا انزابی نژاد، مشهد، به نشر.
۴۲. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ ه.ق) اثبات الوصیته، قم، انصاریان.
۴۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق) الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق) الارشاد فی معرفۀ حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۶. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ه.ق) مجموعه ورام، قم، مكتبة فقیه.